فصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی
سال سیزدهم، زمستان ۹۵، شماره ۴۷
صفحات ۳۰ ـ ۷

ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
A Quarterly Scientific ـ Research Journal
Vol. 13, Winter 2017, No 47

الگوی صدور انقلاب اسلامی در جهت دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی

حمزه صمدی میارکلائی*
حسین صمدی میارکلائی**

چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی، سرآغاز یک نهضت ضداستکباری در دنیا بوده است. انقلابی که در بینابین جنگ سرد پس از جنگ جهانی دوم، میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی [سابق]، ضمن بازگشت به دین و مبانی اسلام ناب محمدی، زمینه‌های «تمدن‌سازی نوین اسلامی» را فراهم آورده است. انقلاب اسلامی به عنوان فرهنگی‌ترین انقلاب اجتماعی دنیا، تحولات عمیقی را در عرصه‌های نظری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، در ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان ایجاد کرد و با درون‌مایه عقلی، فلسفی، معنوی، اجتهادی و نوآورانه، اصول اسلام ناب را در کلیه امور فردی و اجتماعی زندگی انسان به‌کار گرفته است. در این مقاله تلاش شده است تا با استفاده از استعاره «*هندسه فراکتال*» به تشریح چگونگی نقش رهبریِ انقلاب اسلامی در ایجاد و اثرگذاری بر انقلاب‌های نوین دنیا، و ارائه «الگوی رهبری فراکتال‌های انقلاب اسلامی»، در مسیر ایجاد «تمدن نوین اسلامی» پرداخته شود.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، صدور انقلاب، هندسه فراکتال، انقلاب‌های فراکتال دنیا، تمدن نوین اسلامی.

---

*. دکترای مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. hamzeh_samadi@yahoo.com
**. کارشناس ارشد مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر. hossein_samadi_m@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲

طرح مسئله

در بینابین جنگ سرد میان آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی [سابق] به‌منظور گسترش استیلای مادی، فکری، و معنوی خود بر ملت‌های دنیا، و در میان نبرد دو تفکر لیبرال ـ دمُکراسی غرب و کمونیستی ـ سوسیالیستی شرق که پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد، در راهبردی‌ترین نقطه دنیا، انقلابی سر برآورد که به‌طور مستقل و با شعاری متفاوت از شعارهای دو غول اندیشه شرق و غرب (با شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی)، دوباره به دین و مبانی اسلام ناب محمدی ﷺ رجوع کرده است.

انقلاب اسلامی فرهنگی‌ترین انقلاب اجتماعی دنیاست که تحولات عمیقی را در عرصه‌های فرهنگی، نظری، ایدئولوژیک، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی ایجاد کرده، و با مایه‌های عقلی، فلسفی، معنوی، اجتهادی و نوآورانه، اصول اسلام ناب را در کلیه امور فردی و اجتماعی زندگی انسان به‌کار گرفته، و راه نوینی را در جهت دگرگونی روابط و مناسبات حاکم بر دنیا و نیل به یک جامعه مطلوب و یک دنیای آرمانی در پیش گرفته است.

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، و سرنگونی یک حکومت شاهنشاهی وابسته و خدمتگذار به استکبار جهانی و امپریالیسم بین‌الملل، سرآغاز یک نهضت ضداستکباری در دنیا بوده است. ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان دنیا، مانند موج‌های بیداری اسلامی (محمدی، ۱۳۸۳؛ جمال‌زاده، ۱۳۹۱؛ خواجه سروی، ۱۳۹۱؛ خواجه سروی و همکاران، ۱۳۹۱؛ حسینی و مبینی، ۱۳۹۲؛ عباسی و سیفی، ۱۳۹۲؛ خرمشاد، ۱۳۹۲؛ جهانگیر و اسمعیلی، ۱۳۹۲) در تونس (جهانگیر و اسمعیلی، ۱۳۹۲؛ تلاشان و نصر دهریزی، ۱۳۹۳؛ صفوی و ابراهیمی کیاپی، ۱۳۹۴)، مصر (هراتی، ۱۳۹۱؛ جهانگیر و اسمعیلی، ۱۳۹۲)، لیبی (جهانگیر و اسمعیلی، ۱۳۹۲)، عراق (خواجه سروی و رحمنی، ۱۳۹۱)، یمن (خواجه سروی و شهرکی، ۱۳۹۱)، بحرین (رضائی و جهانیان، ۱۳۹۳؛ خداوردی، ۱۳۹۴)، سوریه (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۱)، عربستان (خواجه سروی و یعقوب‌نیا، ۱۳۹۲)، حزب‌الله لبنان (میرعلی، ۱۳۹۲؛ باقری و بصیری، ۱۳۹۴)، اسلام‌گرایی در ترکیه (درخشه و مفیدنژاد، ۱۳۹۱)، و نظام بین‌الملل (خواجه سروی و همکاران، ۱۳۹۱؛ رضاپور، ۱۳۹۳) که به تبعیت از انقلاب اسلامی، و با تکیه بر اصول اساسی انقلاب، و به‌منظور رهایی از یوق استکبار و دولت‌های وابسته به آن، و با شعار استقلال و آزادی، جنبش‌های انقلابی متعددی را در سراسر دنیا آغاز کرده‌اند. به اعتقاد رهبر معظم انقلاب:

> امروز درگیری جهانی، بین حرکت استکباری و حرکت ارزشی و استقلال ملّی و هویتی است که مظهرش انقلاب اسلامی یا جمهوری اسلامی است؛ دعوا امروز در دنیا این است. (بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج؛ ۱۳۹۴/۰۹/۰۴)

نگاهی گذرا به انقلاب‌های بزرگ سده‌های اخیر همچون انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۹۹ ـ ۱۷۸۹)،

انقلاب اکتبر روسیه (۱۹۱۷)، انقلاب چین (۱۹۴۹ ـ ۱۹۴۵)، انقلاب الجزایر (۱۹۶۲ ـ ۱۹۶۱)، انقلاب آمریکا (۱۷۷۵ ـ ۱۷۶۵)، و انقلاب‌های مخملی مانند انقلاب گُل رُز (گُل سُرخ)[1] گرجستان (۲۰۰۳) و انقلاب نارنجی اوکراین[2] (۲۰۰۵ ـ ۲۰۰۴) گواه عمق و عظمت انقلاب اسلامی است که امام خمینی آن را بنیان نهاد.

رهبر معظم انقلاب در مورد تفاوت انقلاب اسلامی با انقلاب‌های سده‌های اخیر دنیا می‌فرمایند:

> در تحولاتی که در طول دو سه قرن اخیر، که قرن انقلاب‌های بزرگ است، اتفاق افتاده، هرچه من نگاه کردم ـ حالا شما مطالعه کنید، شاید مواردی را شما پیدا کنید ـ موردی را پیدا نکردم که مثل انقلاب اسلامی، تحولی که در دوره اول پدید آمد، در دوره‌های بعد یا دهه‌های بعد، با همان شکل، با همان هدف‌ها، به‌سوی همان آرمان‌ها و با همان جهت‌گیری‌ها ادامه پیدا کند. یا اصلاً ادامه پیدا نکرده، مثل انقلاب شوروی؛ یا ادامه پیدا کرده، منتها با یک فترتی، با یک فاصله طولانی زمانی، همراه با مرارت‌ها و محنت‌ها و سختی‌های فراوان، مثل انقلاب کبیر فرانسه، مثل استقلال آمریکا؛ حالا تعبیر کنیم به انقلاب یا هرچه. آن اهداف اولیه در نهایت به یک شکلی تأمین شد، اما با زحمات زیاد و با یک فاصله طولانی. (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان؛ ۱۳۹۰/۰۹/۱۵)

انقلاب اسلامی سه نقش اساسی در رهبری جنبش‌ها و انقلاب‌های نوظهور دنیا ایفا می‌کند که عبارتند از: ۱. نفوذ و اثرگذاری از طریق ارائه یک الگوی کارآمد و مطلوب انقلابی؛ ۲. الهام‌بخشی و ایجاد انگیزه در ملت‌های مسلمان و آزادیخواهان دنیا، و ۳. ارائه «نظریه ولایت فقیه» و هدایت و رهبری حکیمانه انقلاب‌ها.

«انقلاب اسلامی» به معنی تغییر و تحول مستمر و گسترش ابعاد و تأمین هدف‌های مختلف ایدئولوژی، تفکر و فرهنگ اسلام ناب محمدی ﷺ در سراسر دنیا است؛ درحالی‌که برخی بر «جمهوری اسلامی» تأکید می‌کنند و در نظر آنها، جمهوری اسلامی بیانگر رضایت به وضعیت موجود و درجازدن (ایستایی در مقابل پویایی) یک ایدئولوژی است؛ به این معنی که انقلاب اسلامی به پایان مسیر خود رسیده، و به هدف خود که ایجاد یک حکومت اسلامی در ایران بوده، دست یافته است و نباید نگران سایر نقاط و ملت‌های دنیا باشد؛ به عبارت دیگر، در نظر آنها انقلاب اسلامی به نقطه اشباع رسیده و حرف جدیدی برای ارائه به دنیا به‌عنوان یک «الگوی ارزشمند و فراگیر»[3] ندارد. این در حالی است که انقلاب اسلامی محدود به یک زمان و یک مکان نیست؛ بلکه انقلاب اسلامی به گستردگی کل دنیاست، به فراگیری کل تاریخ است، و هدف‌های انقلاب اسلامی معطوف به جغرافیای ایران و دوران معاصر نیست.

1. the Gorjestan Rose Revolution.
2. the Ukraine Orange Revolution.
3. Valuable and Grand Model.

این بیان در اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تصریح شده است:

> جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸: اصل ۱۵۴)

مقام معظم رهبری با استفاده از فرهنگ قرآنی به «مفهوم‌شناسی استکبار» پرداخته و دولت آمریکا را «رأس استکبار» معرفی می‌کنند:

> استکبار یک واژه قرآنی است که در قرآن درباره امثال فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حقّ و حقیقت به‌کار رفته است. استکبار در گذشته هم بوده است، تا امروز هم وجود دارد. استخوان‌بندی استکبار در همه دوره‌ها یکی است؛ البته شیوه‌ها و خصوصیات و روش‌ها در هر زمانی تفاوت می‌کند. امروز هم نظام استکباری وجود دارد؛ رأس استکبار هم در دنیا، دولت ایالات متحده آمریکا است. (بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور؛ ۱۳۹۲/۰۸/۲۹)

روحیه زیاده‌خواهی، طاغوتی، و استکباری، صرفاً مخصوص دنیای امروز نیست، بلکه نبرد میان جبهه حق با جریان طاغوت و استکبار به بلندای تاریخ بشریت است. همچنین، مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

> نظام اسلامی با استکبار طرف است. از زمان ابراهیم خلیل‌ﷺ و نوح پیغمبرﷺ و پیغمبران بزرگ و پیغمبر اسلامﷺ تا امروز هم همین بوده: جبهه حق در مقابل استکبار قرار داشته است. (بیانات در دیدار مسئولان نظام؛ ۱۳۹۳/۰۴/۱۶)
>
> امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار ـ که با انقلاب آغاز شد و همچنان با قوّت ادامه دارد ـ همان نبرد پیغمبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است. ما دنبال آرمان‌های بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقّق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدّیقان و شهیدان [هستیم]؛ و دستگاه‌های شیطانی زمان یک جبهه‌اند و طبعاً با یک چنین حرکتی مخالفند. [بنابراین] کارشکنی می‌کنند، اذیت می‌کنند، تهدید می‌کنند. (بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور؛ ۱۳۹۲/۰۸/۲۹)

در طول تاریخِ پس از ظهور اسلام، انقلاب اسلامی، با تأکید و رجوع مجدد به مفاهیم و مبانی اسلام ناب

محمدی، تنها انقلابی است که ظرفیت و توانایی ارائه یک «الگوی جهان‌شمول حکومت‌داری»[1] به سراسر دنیا را دارد. بنابراین، گسترش انقلاب اسلامی در سراسر دنیا، امری ضروری است.

در این مقاله، تلاش شده است تا با عاریت گرفتن استعاره «فراکتال» از «هندسه فراکتال (برخالی)»،[2] به‌عنوان شاخه‌ای از علم ریاضیات، به تبیین مأموریت، نقش و اثرگذاری انقلاب اسلامی در ایجاد انقلاب‌های نوین فراکتال در دنیا پرداخته شود. بنابراین در مقاله حاضر، ابتدا مفهوم فراکتال مورد مداقه قرار خواهد گرفت، سپس مفاهیم سازمان‌های فراکتال، رهبری فراکتال و رهبری انقلاب‌های فراکتال تشریح می‌شوند و در نهایت، در مسیر ایجاد «تمدن نوین اسلامی» به پنج شرط اساسی و ضروری ایجاد فراکتال‌های انقلاب اسلامی و رهبری آنها پرداخته می‌شود. این شروط اساسی و ضروری در قالب «الگوی رهبری فراکتال‌های انقلاب اسلامی» مطرح شده است.

مفهوم فراکتال

اصطلاح «علم نوین»[3] (Wheatley, 2010) اشاره به آن چیزی دارد که در یک زبان فنی‌تر، مطالعه نظام‌های پیچیده غیرخطی نامیده می‌شود. مفاهیم نظریه آشوب (Lorenz, 1993)، هندسه فراکتال و فراکتال‌ها (Mandelbrot, 1983; Lorenz, 1993; Benhamou et al., 1994)، جاذبه‌های غریب (Lorenz, 1993؛ الوانی، ۱۳۸۹: ۴۵۰ ـ ۴۴۹)، نظام‌های پیچیده، مرحله گذار، خود ـ ارجاعی، و خود ـ سامانی برخاسته از پژوهش در نظام‌های پویای غیرخطی است که کم و بیش در تمام علوم فیزیکی و انسانی، از اقتصاد و زبان‌شناسی گرفته تا فیزیک و جغرافیا، زیست‌شناسی، زیست پزشکی، شیمی فیزیکی، ریاضیات مدرن، اطلاعات سنجی، هوش مصنوعی، سایبرنتیک، و سایر علوم در حال گسترش است؛ و رویکردهای قدرتمندی را برای درک و الگوسازی ارزیابی و ویژگی‌های طیف گسترده‌ای از بسترها و دورنماها ارائه کرده است. (Baas, 2002; Limone and Marinovic, 2013)

مفهوم فراکتال‌ها به‌وسیله مَندِل بِروت ۱۹۷۶ معرفی شد (Mandelbrot, 1983: 174; Lorenz, 1993: 169; Benhamou et al., 1994: 1910) ریشه لغت‌شناسانه اصطلاح «فراکتال» در واژه لاتین «ابر شکسته»[4] قرار دارد که به معنی شکسته، قطعه قطعه شده، شکافته شده، منفصل، یا بی‌نظمی است (Limone and Marinovic, 2013)، و با بعد غیرصحیح منظره‌های ناهموار و پراکنده در ارتباط است (Mandelbrot, 1983; Lorenz, 1993; Benhamou et al., 1994: 1910) فراکتال، تشریح‌کننده

1. the Universal Model of Governance.
2. Fractal Geometry.
3. the New Science.
4. Fractus.

وضعیتی است که در آن بخش‌های منحصر به فرد، مشابه با شکل کلی یک پدیده ایجاد می‌شوند (Nonaka, 2012: 27) فرهنگستان زبان فارسی، واژه «برخال» را به‌عنوان معادل فارسی «فراکتال» تصویب کرده است (امیریوسفی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷۰) برخی از ویژگی‌های فراکتال‌ها عبارتند از:

۱. داشتن هدف و ارزش‌های مشترک[1] و انجام فعالیت‌های همکارانه؛ اعضا و بخش‌های یک فراکتال هدف و ارزش‌های محوری مشترکی دارند که یک الگوی کامل را ایجاد می‌کند، و همه منابع و تلاش‌های جمعی‌شان را در جهت دستیابی به یک هدف مشترک با یکدیگر ترکیب می‌کند (Raye, 2012)؛

۲. الگوهای پیچیده تکرار شونده؛[2] الگوی پیچیده تکرار شونده یکی از ویژگی‌های فراکتال‌هاست (Mandelbrot, 1983; Lorenz, 1993; Benhamou et al., 1994; Baas, 2002; Rennaker, 2005; Limone and Marinovic, 2013) درواقع در یک فراکتال، کل در هریک از بخش‌ها منعکس و تکرار شده است؛

۳. خودمانایی؛ خودمانایی،[3] یکی دیگر از ویژگی‌های فراکتال‌هاست، و خصیصه بسیاری از فراکتال‌هایی است که مَندِل بِروت مطرح می‌کند. فراکتال‌ها اشکال هندسی هستند که با تغییر مقیاس نیز خودمانا هستند؛ یعنی با هر بزرگ شدن یا کوچک شدن، شکل و قالب آنها یکسان باقی می‌ماند و تکه‌های فرعی، معادل تکه اصلی می‌شوند (Mandelbrot, 1983; Lorenz, 1993; Quevedo et al., 2002: 362; Baas, 2002: 309; Rennaker, 2005) یکی از نمونه‌های خودمانایی فراکتال‌ها، «برف دانه کُخ»[4] است (Mandelbrot, 1983: 177; Lu et al., 2012)؛

۴. سازگاری پویا؛[5] نظام‌های سازگارشونده، ۱. خودکنترل و خودنظم هستند؛ ۲. با وجود استقلال و خودکفایی، این اجزا دارای رفتاری هماهنگ و توأم با همکاری هستند؛ ۳. سیستم‌های یادگیرنده‌ای هستند که از نوعی بازخور دوحلقه‌ای برای یادگیری استفاده می‌کنند، و ۴. از نوعی تخصص انعطاف‌پذیر برخوردارند که وفق و سازگاری با محیط‌های آشوبناک را برای آنها مقدور می‌سازد. (الوانی، ۱۳۸۹: ۴۴۷ ـ ۴۴۴)

انقلاب فراکتال و فراکتال‌های انقلاب اسلامی

ضرورت صدور انقلاب اسلامی

براساس رویکرد فراکتال و به‌منظور ایجاد انقلاب‌های فراکتال، فرهنگ و ارزش‌ها دارای اهمیتی حیاتی

1. share a purpose and core values.
2. Repeating complex patterns.
3. Self-similarity.
4. Koch snowflake.
5. Dynamic Adaptation.

هستند. چراکه براساس نظریه فراکتال، و تعریف فراکتال به‌عنوان شاخه شاخه شدن مستمر پویا، ویژگی‌ها و شایستگی‌های موجودیت اصلی می‌تواند به موجودیت‌های مرتبط به آن انتقال و انتشار یابد. درواقع خصیصه‌های انقلاب به‌طور وراثتی به انقلاب‌های فراکتال انتقال می‌یابد. یکی از نزدیک‌ترین مفاهیم مربوط به جایگاه «استعاره فراکتال» در ایجاد انقلاب‌های فراکتال نوظهور دنیا (کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین) که فاصله جغرافیایی بسیاری با ایران دارند، نظریه «اشاعه»[1] است، و در مورد انقلاب‌های فراکتال اسلامی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، علاوه‌بر نظریه اشاعه، نظریه‌های هم‌گرایی منطقه‌ای، جهانی و کارکردگرایی کاربرد دارند.

انقلاب‌های فراکتال و فراکتال‌های انقلاب اسلامی به صورت مجموعه‌های مستقل ایجاد می‌شوند، اما از لحاظ ایدئولوژیک، فرهنگ، باورها و سبک‌های مدیریتی و رهبری، و شیوه‌های حکومت‌داری شبیه به انقلاب اصلی هستند و حامل ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی هستند. درواقع انقلاب‌های فراکتال تصویر کوچک شده‌ای[2] از انقلابی هستند که از آن الگوبرداری کرده‌اند یا از آن مشتق شده‌اند. انقلاب‌های فراکتال در همان مسیری حرکت می‌کنند که انقلاب اصلی حرکت می‌کند؛ انقلابیون، رهبران، و اکثریت جامعه هدف، همان‌گونه می‌اندیشند که همتایان آنها در انقلاب اصلی می‌اندیشند؛ ارزش‌ها، باورها و نمادهایشان مشابه ارزش‌ها، باورها و نمادهای انقلاب اصلی است. انقلاب‌های فراکتال خودمانا[3] و خود ـ سامان[4] می‌شوند، و به‌طور مستقل و بدون هدایت مستقیم انقلاب مبدأ، از طریق وراثت خصائل انقلاب اصلی به حیات خود ادامه می‌دهند، و بدون نیاز به برنامه‌های مرکزی از قبل تدوین شده، نسبت به تغییرات واکنش نشان می‌دهند، و تجدید ساختار می‌شوند.

به عبارت دیگر، ۱. الگوها در سطوح مختلف انقلاب‌های فراکتال تکرار می‌شوند، و ۲. رفتار آنها مطابق (و سازگار) با رفتار انقلاب مرجع است. به‌طور کل، مجموعه هدف‌های هریک از فراکتال‌های انقلاب اسلامی در تناقض با یکدیگر نبوده، و در جهت دستیابی به مجموعه هدف‌های انقلاب اسلامی [جهانی] یا به عبارت دیگر، تمدن نوین اسلامی به‌کار گرفته می‌شوند.

آنچه که بیان‌گر و تشریح‌کننده انقلاب‌های فراکتال الهام گرفته از انقلاب اسلامی است، مفهوم «صدور انقلاب اسلامی»[5] است. این مفهوم از این جهان‌بینی نشئت می‌گیرد که انقلاب اسلامی ابزاری است که به‌وسیله آن مسلمانان و غیرمسلمانان می‌توانند خود را از سلطه ستمگرانی که در جهت منافع استکبار جهانی

1. Diffusion.
2. miniature image.
3. self-similar.
4. self-organization.
5. exporting the Islamic Revolution.

و امپریالیسم بین‌المللی خدمت می‌کنند، آزاد کنند. آمریکا و شوروی [سابق] دو قدرت اصلی امپریالیستی بودند که کشورهای جهان سوم را استثمار می‌کردند. تعهد مجدد بـه اسـلام، بـه‌عنـوان تجربـه ایـران در برانـدازی حکومت شاه، ملت‌های ستمدیده را ترغیب کرد تا به مقابله بـا امپریالیسـم بپردازنـد. امـام خمینـی در تبیـین مفهوم صدور انقلاب می‌فرمایند:

> اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه‌جا صادر بشود، این معنای غلـط را از آن برداشـت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشـورهای مسـلمین را از خودمـان می‌دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم ایـن چیـزی کـه در ایران واقع شده و خودشـان از ابرقـدرت‌هـا فاصـله گرفتنـد و دسـت آنهـا را از مخـازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود. آرزوی ما این اسـت. معنای صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و همه دولت‌ها بیدار شـوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سطله بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد، به باد می‌رود و خودشان به نحـو فقـر زنـدگی مـی‌کننـد، نجـات بدهد. (صحیفه نور، ۱۳ / ۲۸۱)

دو دیدگاه نسبت به صدور انقلاب اسلامی وجود دارد:[1] ۱. دیدگاه صدور انقلاب از طریق تـلاش‌هـای تبلیغاتی برای آموزش مسلمانان و ارائه الگوهای ایرانی؛ در این دیدگاه، قصد ایران دخالت در امـور داخلـی سایر کشورها نبوده و کمک‌های مالی ضرورتی ندارد، چراکه جوامع سـتمدیده قرائـت خودشـان از انقـلاب اسلامی را دارند که پیامدهای خطرناکی را به همراه خواهد داشت؛ ۲. در طرف مقابل، برخی معتقدنـد کـه ایران پیش قراول یک نهضت انقلابی جهانی است که کشورهای اسلامی را به‌طـور اخـص، و کشـورهای جهان سوم را به‌طور اعم، از انقیاد امپریالیسم آزاد خواهد کرد؛ ایـن دیـدگاه فعـال اشـاره دارد کـه صـدور اثربخش انقلاب نباید محدود به تلاش‌های تبلیغاتی باشد، بلکه باید دربر گیرنده کمک‌های مالی و نظامی نیز باشد.

«بیداری اسلامی»[2] در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا نمونه‌هایی از انقلاب‌های نوظهور دنیا هستند کـه بسیاری از آنها در حال تبدیل شدن به فراکتال‌های انقلاب اسلامی هستند. به اعتقاد لورِنز (۱۹۹۳)، با استفاده از مفهوم خودمانایی می‌توان یک درخت فراکتال را ترسیم کرد (Lorenz, 1993: 170)؛ بنابراین، مـی‌تـوان انقلاب اسلامی و فراکتال‌های آن، و نیز، فراکتال‌های هریک از این فراکتال‌ها را ترسیم کرد، که نشان‌دهنـده «درخت فراکتال انقلاب اسلامی»[3] است. (شکل شماره ۱)

1. "Concept of Export of Revolution", http://countrystudies.us/iran/100.htm.
2. Islamic Awakening.
3. Fractal Tree of the Islamic Revolution.

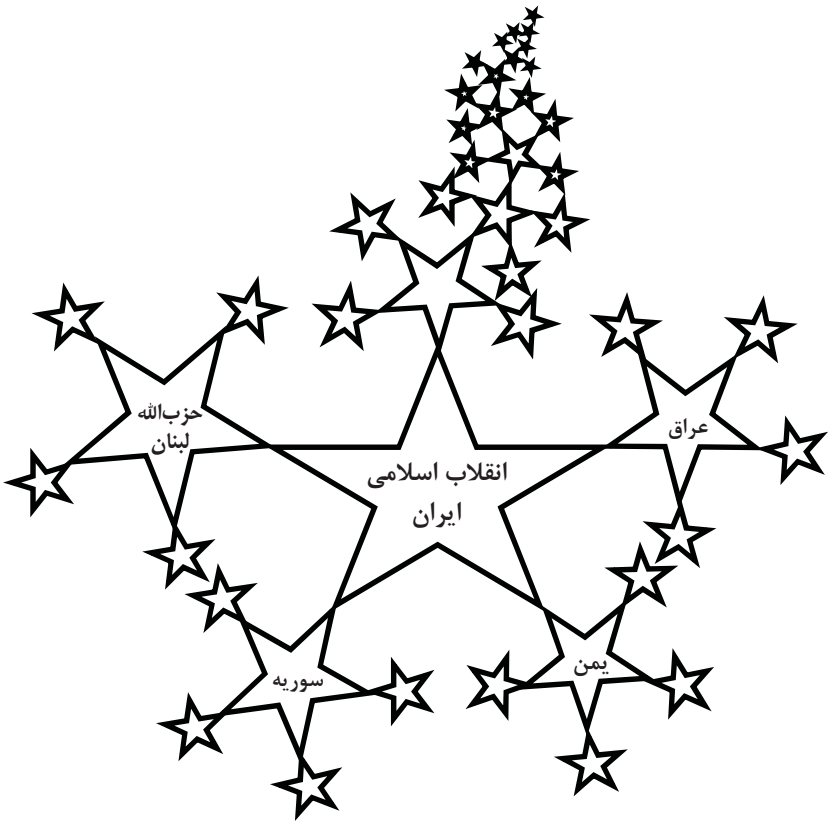

شکل (۱): درخت فراکتال انقلاب اسلامی

ستاره بزرگ که در میانه تصویر مشاهده می‌شود، انقلاب اسلامی است که هسته مرکزی انقلاب‌های فراکتال را تشکیل می‌دهد و زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی است. سایر ستاره‌های متصل به انقلاب اسلامی، انقلاب‌های فراکتالی هستند که محصول انقلاب اسلامی هستند؛ درواقع، آنچه که در مورد فراکتال‌های انقلاب اسلامی مطرح می‌شود، در نتیجه صدور انقلاب اسلامی به دنیا، و اثرپذیری انقلاب‌های نوین (اسلامی و غیر اسلامی) از آن است. به همین ترتیب، ستاره‌های کوچک‌تری که به انقلاب‌های فراکتال متصل هستند، زیرمجموعه آنها بوده (مانند نهادها، تشکیلات، و جنبش‌های انقلابی درون ساختار یک جامعه یا سایر انقلاب‌هایی که با یک انقلاب فراکتال در ارتباط هستند)، و همه خصوصیات و خصائل انقلاب‌های فراکتال را به ارث می‌برند. در بلندمدت، تکثیر انقلاب‌های فراکتال اسلامی به سرعت انجام می‌شود و موقعیت و هژمونی استکبار را منکوب خواهد کرد. به همین دلیل، استکبار جهانی و امپریالیسم بین‌الملل می‌کوشند تا در درجه نخست، اتصال انقلاب اسلامی با انقلاب‌های

فراکتال در منطقه را قطع کنند، و سپس، اثرگذاری انقلاب اسلامی بر سایر انقلاب‌های دنیا را کاهش دهند؛ از این‌رو جنگ‌های نیابتی و ائتلافی را در منطقه به راه انداخته‌اند.

«تمدن نوین اسلامی»، ایجاد انقلاب‌های فراکتال و رهبری آنها

رهبر معظم انقلاب، بهترین اندیشمند و متفکری است که قادر است تا مفهوم «تمدن نوین اسلامی» را به درستی تبیین و تشریح نماید. مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

> ... هدف، ایجاد یک حاکمیت اسلامی است که بتواند جامعه را به جامعه مورد نظر و آرمانی اسلام تبدیل بکند؛ ما دنبال این هستیم دیگر، ما می‌خواهیم کشور خودمان ـ در درجه اول، حالا بحث کشورهای دیگر و مسائل بین‌المللی و جهانی را نمی‌کنیم ـ یک کشوری بشود که به آن خطوط آرمانی اسلام برسد که این خطوط آرمانی یک چیز مطلوب و شیرینی برای هر انسان متفکّری است؛ یعنی هر کسی که بنشیند فکر کند، مطالعه کند، از این وضع آرمانی جامعه اسلامی لذّت می‌برد؛ جامعه‌ای که در آن، هم علم هست، هم پیشرفت هست، هم عزّت هست، هم عدالت هست، هم قدرت مقابله با امواج جهانی هست، هم ثروت هست؛ یک تصویر این جوری؛ ما به این می‌گوییم تمدّن نوین اسلامی، می‌خواهیم کشورمان به اینجا برسد. (بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری؛ ۱۳۹۴/۰۸/۲۰)

با بررسی بیانات مقام معظم رهبری در مورد تمدن اسلامی، جهان‌بین و معینی‌پور (۱۳۹۳) معتقدند که تمدن اسلامی بر ارکان چهارگانه‌ای استوار است که عبارتند از: دین جامع؛ عقلانیت؛ علم، و اخلاق (جهان‌بین و معینی‌پور، ۱۳۹۳: ۳۲) مؤلفین بر این باورند که به‌منظور تحقق تمدن اسلامی با ارکان چهارگانه فوق، طی مراحل پنج‌گانه ۱. انقلاب اسلامی؛ ۲. نظام اسلامی؛ ۳. دولت اسلامی؛ ۴. جامعه اسلامی، و ۵. تمدن اسلامی در سطح امت اسلامی و پس از آن در عرصه جهانی ضروری می‌نماید (همان) مراحل انقلاب اسلامی و نظام اسلامی پشت‌سر گذاشته شده است و اکنون در مرحله دولت اسلامی قرار داریم که لازمه آن اسلامی شدن دولت، اسلامی شدن روش و منش دولت‌مردان است. مرحله جامعه اسلامی، مرحله برنامه‌ریزی برای تحقق همه‌جانبه جامعه اسلامی است. با ایجاد جامعه اسلامی، انقلاب اسلامی می‌تواند همچون الگویی پیش روی جهانیان، به‌ویژه جهان اسلام قرار گرفته و شکل‌گیری تمدن اسلامی، از همین نقطه آغاز می‌گردد (همان: ۴۳ ـ ۳۲) در مسیر ایجاد «تمدن نوین اسلامی»، ایجاد انقلاب‌های فراکتال و رهبری آنها نیازمند پنج شرط اساسی است که در قالب «الگوی رهبری فراکتال‌های انقلاب اسلامی» ارائه می‌گردد (شکل ۲) که به تشریح آن می‌پردازیم:

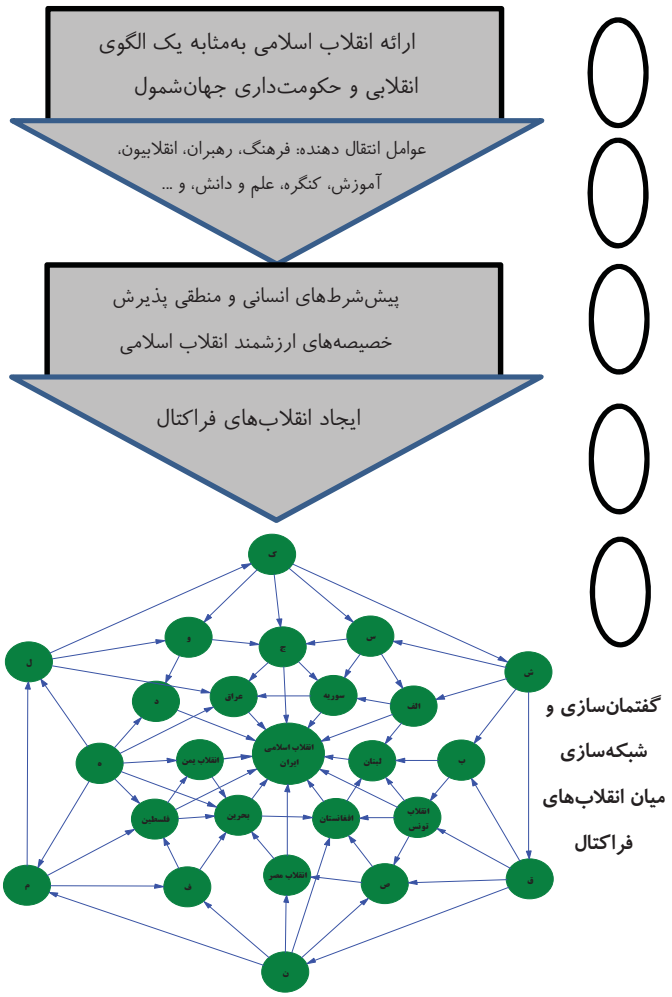

شکل (۲): الگوی رهبری فراکتال‌های انقلاب اسلامی

۱. وجود خصیصه‌های ارزشمند قابل انتقال از انقلاب مبدأ به‌منظور ارائه به جامعه هدف

هر جامعه و هر انقلابی که ادعای جهانی بودن و فرا ـ ملی و فرا ـ مرزی بودن دارد، باید دارای ویژگی‌ها و خصیصه‌های فرهنگی و معنوی ارزشمند و فراگیری باشد تا بتواند آن را به سایر جوامع انتقال دهد. برزگر (۱۳۸۸) معتقد است که با انقلاب در درون مرزهای کشور و اولویت دادن به اصلاح و آبادانی در چارچوب سرزمینی کشور، و ارائه کارآمدی این الگو، کار الگوسازی و ارائه الگوی مطلوب و آرمانی به اثبات رسیده است و به جهانیان نشان داده است که اسلام می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای بشری باشد. (برزگر، ۱۳۸۸: ۲۳۴) با استفاده از «استعاره هندسه فراکتال»، صدور انقلاب اسلامی در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی ضروری

می‌نمایاند؛ چراکه از این طریق، ویژگی‌های سیستم بزرگ‌تر (انقلاب اسلامی) به خرده سیستم‌های مرتبط با آن (انقلاب‌های اسلامی و غیراسلامی نوین دنیا) انتقال می‌یابد. به‌عنوان نمونه، کارآمدی و ناکارآمدی یک سیستم بزرگ‌تر (مادر)، از طریق رابطه‌ای که میان سیستم و خرده سیستم‌های آن ایجاد می‌شود، به آنها انتقال می‌یابد. خصیصه‌های ارزشمندی وجود دارند که می‌توانند انقلاب اسلامی را به‌عنوان یک الگوی کارآمد انقلابی و متحول‌کننده جوامع به سراسر دنیا ارائه نمایند. این ویژگی‌ها و خصیصه‌ها عبارتند از:

۱. «جهان‌شمولی» نشئت گرفته از بازگشت به اسلام و مبنا قرار دادن اصول و مبانی اسلام ناب در جامعه، اقتصاد، سیاست، و حکومت‌داری به‌عنوان یکی از اخلاقی‌ترین و انسانی‌ترین مکاتب دینی جهان، پایبندی به اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی، فرهنگ، باورها و ارزش‌های ممتاز انسانی که قابل تسری و انتقال به سراسر دنیا هستند؛

در مورد دین اسلام و برتری آن نسبت به سایر ادیان (که درواقع، بشارت‌دهنده به اسلام بودند)، خداوند در قرآن کریم می‌فرمایند:

> إِنَّ الدِّينَ عِندَاللّهِ الإِسْلاَمُ ... . (آل‌عمران / ۱۹)
> همانا دین (پسندیده) نزد خدا آیین اسلام است ... .

و در جایی دیگر می‌فرمایند:

> وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الإِسْلاَمِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ. (آل‌عمران / ۸۵)
> هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست، و او در آخرت از زیانکاران است.

۲. الگو قرار دادن عاشورای حسینی‌ﷺ به‌عنوان ایجادکننده و تداوم‌دهنده انقلاب اسلامی؛ به‌طوری که بسیاری از اندیشمندان، پژوهشگران، سیاستمداران، دولت‌مردان، و انقلابیون دنیا مانند: «آنتوان بارا»، «موسیو ماربین» متفکر آلمانی، «ماهاتما گاندی» رهبر پرآوازه استقلال هند، «محمدعلی جناح» قائد اعظم پاکستان، «چارلز دیکنز» نویسنده معروف انگلیسی، «توماس کارلایل» فیلسوف و مورخ انگلیسی، «واشنگتن ایروینگ» مورخ مشهور آمریکایی، و بسیاری دیگر، در وصف امام حسین‌ﷺ گفته و نوشته‌اند، از شخصیت ایشان سرمشق گرفته، و قیام ایشان را سرلوحه انقلاب‌های خود قرار داده‌اند.[۱] (باشگاه خبرنگاران جوان، ۲۰ / ۰۴ / ۱۳۹۴)

۳. مبنا قرار دادن مفهوم «انتظار» و باور به «مهدویت» به‌عنوان غایت و آرمان انقلاب اسلامی و حتی به‌عنوان تکمیل‌کننده و هدف نهایی رسالت انبیاء و اولیای الهی، و به‌عنوان عامل برانگیزاننده و پیش‌برنده انقلاب اسلامی و تسری آن به انقلاب‌های دنیا؛

---

۱. «امام حسین‌ﷺ در نگاه سیاستمداران و نویسندگان بزرگ خارجی»: http://www.yjc.ir/fa/news/4159721

۴. هـدایت و رهبـری حکیمانـه جامعـه و ارائـه یـک الگـوی برجسـته و فراگیـر سیاسـی، مـدیریتی، و حکومت‌داری اسلامی مبتنی بر نظریه «ولایت فقیه»؛ یعنی رهبری حکیمانه در تعامل سازنده با جهان (سـایر جوامع)، ارتباطی عزّت‌مندانه و عزّت‌مدارانه، حکیمانه و مصلحت‌گرایانه دارد. در تصمیم‌گیری‌ها باید مصـلحت را در نظر داشت؛ مصلحت از عقل تبعیت می‌کند. عقل یعنی اینکه نفع و ضرر را تشخیص داد، نفع اکثریت را شناخت و در جهت آن اقدام کرد؛

۵. «مردم‌گرایی» و همراهی و پیوند ناگسستنی میان «امام و امت» و «رهبر و جامعه»؛ مـردم‌گرایـی بـه معنی حضور و قیام اقشار مختلف مردم به‌طور همزمان برای سرنگونی رژیم شاهنشاهی و ارائـه یـک الگـوی حکومت‌داری با در اختیار داشتن بزرگ‌ترین حکومت مردم‌سالار دینی دنیا با متوسط یک انتخابات آزاد در هـر سال از عمر انقلاب اسلامی و جلب بالاترین درصد مشارکت مردمی؛

۶. ارائه یک الگوی سیاسی استقلال‌طلبانه مبتنی بر دیانت (براسـاس بیـان شـهید سـید حسـن مـدرس: «دیانت ما عین سیاست ماست، سیاست ما عین دیانت ماست. ما با همه دوست ایم مادامی که با مـا دوسـت باشند و متعرض ما نباشند. همان قِسم که به ما دستورالعمل داده شده است، رفتار می‌کنـیم (روزنامـه رسـمی کشور، ۱۳۰۲: ۱۹۸)»)، و بدون وابستگی به قدرت‌های شرق و غرب (با شعار نه شرقی، نه غربـی، جمهـوری اسلامی)؛ مقام معظم رهبری آن را به‌عنوان اسلام سیاسی مطرح می‌کنند و می‌فرمایند:

> [یکی از آرمان‌ها] مسئله ایجاد جامعه اسلامی و تمدّن اسلامی است؛ یعنی احیای تفکّـر اسلام سیاسی؛ یک عده‌ای از قرن‌ها پیش، سعی کردند اسلام را از زنـدگی، از سیاسـت، از مدیریت جامعه هرچه می‌توانند دور کننـد و منحصـرش کننـد بـه مسـائل شخصـی. (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان؛ ۱۳۹۴/۰۴/۲۰)

۷. ارائه یک الگوی عدالت‌خواهانه، عدالت‌محور، و پیشرفت‌گرا در تمام شئون جامعه؛ تأکید بر سنت، الگـو و سبک زندگی و فعالیت جامعه، استحکام درونی نظام برای حفظ خود، آبادگری و پیشرفت؛

۸. ارائه یک الگوی پیشرفت اسلامی ـ ایرانی با تکیه بر پیشرفت‌ها و دسـتاوردهای علمـی و فنّاورانـه در حوزه‌های مختلف هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فنّاوری‌های زیستی، فنّاوری نانو، پزشکی، هوا و فضا، تأکید بر اقتصادی مقاومتی و نگـاه درون‌گـرای اقتصـادی، و افـزایش تـوان بازدارنـدگی نظـامی، امنیتـی، و موشـکی جمهوری اسلامی ایران؛

۹. تشکیل نهادها و کمیته‌های انقلابی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کمیته امداد امام خمینـی، ایجـاد یک نیروی داوطلب، مؤمن، معتقد، ولایت‌مدار، و آرمـان‌خـواه بـا عنـوان «بسـیج مستضـعفین»، و ... بـه‌منظـور الهام‌بخشی به انقلاب‌های منطقه و جهان؛ در رابطه با مفهوم آرمان‌خواهی، رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند:

یک عده‌ای تبلیغ می‌کنند و وانمود می‌کنند که آرمان‌خواهی مخالف واقع‌گرایی است؛ نه آقا، آرمان‌خواهی مخالف محافظه‌کاری است، نه مخالف واقع‌گرایی. محافظه‌کاری یعنی شما تسلیم هر واقعیتی ـ هرچه تلخ، هرچه بد ـ باشید و هیچ حرکتی از خودتان نشان ندهید؛ این محافظه‌کاری است. معنای آرمان‌گرایی این است که نگاه کنید به واقعیت‌ها و آنها را درست بشناسید؛ از واقعیت‌های مثبت استفاده کنید، با واقعیت‌های سلبی و منفی مقابله کنید و مبارزه کنید. این معنای آرمان‌گرایی است. چشمتان به آرمان‌ها باشد. (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان؛ ۱۳۹۴/۰۴/۲۰)

۱۰. ارائه یک الگوی جهادی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی، و گسترش فرهنگ وفاداری، ایثارگری، فداکاری، رشادت، و شهادت در جهت ایجاد، تثبیت و حفظ، و تداوم انقلاب اسلامی، از آغاز نهضت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ امام خمینی تا زمان پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، همچنین تا نمود بسیار عینی و ملموس آن در دوران هشت سال دفاع مقدس، و رویارویی با فتنه‌هایی از قبیل فتنه سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸؛

۱۱. ارائه یک الگوی ظلم‌ستیز و استبداد و استکبارستیز، در جهت مقابله با استثمار و استعمارگری قدرت‌های سلطه‌گر؛

۱۲. ارائه یک الگوی مقاومت، ایجاد جبهه مقاومت در منطقه، و جلب مشارکت کشورهای منطقه و گروه‌های مقاومت در جهت مبارزه مستقیم با رژیم غاصب صهیونیستی؛

۱۳. حمایت از مستضعفین و محرومین جامعه، حمایت از انسان‌های آزاده، حق‌طلب، و صاحبِ حق در اطراف و اکناف دنیا که انقلاب اسلامی را به‌عنوان ملجاء و مأمنی برای اسلام‌خواهان و آزادی‌خواهان سراسر دنیا مطرح کرده است؛

۱۴. شبکه‌سازی، گسترش ارتباطات اثربخش، و وحدت‌بخشی میان مسلمانان، انقلاب‌ها، انقلابیون، و آزادی‌خواهان دنیا در جهت تشکیل امت واحده؛

۱۵. بیدارگری و آگاهی‌بخشی به ملت‌های دنیا؛ بیدار کردن حسِّ حقیقت‌جویی، جستجوگری و پرسش‌گری، تحلیلگری، بصیرت‌بخشی و بصیرت‌افزایی در جوامع و ملت‌های دنیا؛ یکی از خصیصه‌های برتر فرهنگ انقلاب اسلامی که در دو نامه اخیر مقام معظم رهبری به «عموم جوانان اروپا و آمریکای شمالی» (پیام مهم رهبر انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی؛ ۱۳۹۳/۱۱/۰۱) و به «عموم جوانان در کشورهای غربی» به‌طور تلویحی به آن اشاره شده است، عبارت از: ۱. توجه و تأکید بر ویژگی «هوشیاری و زنده بودن حسِّ حقیقت‌جویی در جوانان و جستجو در جهت شناخت بدون واسطه اسلام»، و ۲. «جستجوگری و داشتن یک تحلیل جامع از وقایع دنیا»ست که عموم جوامع، به‌ویژه جوانان را دعوت به حقیقت‌جویی و تحلیلگری

مسائل و رویدادها می‌کند. درواقع این ویژگی و این اصول بنیادی، مبنای قدرتمند گسترش تفکر انقلابی و اسلامی را شکل می‌دهند که بدون شک هر جامعه‌ای پذیرای چنین شیوه تفکر و حکومت‌داری‌ای است.

۲. وجود پیش‌شرط‌ها و پتانسیل انسانی و منطقی برای پذیرش خصیصه‌های ارزشمند و اصولی انقلاب اصلی

نیاز جامعه به تغییر و تحویل در نظام‌های سیاسی، اداری، و اقتصادی حاکم؛ نفوذ در فرهنگ و تفکرات جامعه هدف؛ نفوذ در نظام آموزشی و تربیتی مانند آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برای تغییر در نظام تفکر جامعه از طریق ورود کتاب‌های ایدئولوژیک، کتاب‌های علوم انسانی و سایر منابع آموزشی، و استفاده از نیروهای آموزش‌دیده و تربیت‌شده در فرهنگ اجتماعی و انقلابی مبدأ، زمینه‌های لازم برای انتقال خصیصه‌های ارزشمند انقلاب اسلامی و تفکر اسلام ناب محمدی ﷺ را فراهم می‌آورد.

به‌منظور ایجاد یک انقلاب، وجود برخی از عوامل محرکه بنیادین (مکنون) و عوامل ظاهری (آشکار) منفی و مثبت ضروری است. از یک طرف، عوامل عقیدتی و عملکردی منفی یک حکومت موجبات نارضایتی و بی‌اعتمادی اجتماعی را به وجود آورده، و انگیزه قوی برای تغییر و تحویل اجتماعی را در مردم ایجاد می‌کند که عبارتند از: تحولات فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی، انحطاط ارزش‌های اخلاقی، وجود حکومت‌های سکولار، فساد مقام‌ها و نهادهای دولتی، دیکتاتوری و نبود مردم‌سالاری و آزادی‌های سیاسی مشروع و قانونی، ایجاد محدودیت برای فعالیت‌های دینی و مذهبی، افزایش شکاف طبقاتی و گسترش فقر و محرومیت‌ها، کاهش و توقف رشد و توسعه اقتصادی، و ایجاد بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی؛ از طرف دیگر، وجود روحیات مثبتی از قبیل: بلوغ فکری و افزایش آگاهی‌ها و حقیقت‌جویی جوامع، افزایش روحیه مطالبه‌گری سیاسی مردم از سیاستمداران و دولت‌مردان، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی، آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی از سلطه بیگانگان، تفکرات ایدئولوژیک و مذهبی، و وجود یک فرهنگ قوی سنتی و ملّی در اکثریت جامعه، جامعه را بر می‌انگیزاند تا در مقابل یک نظام و حکومت ناکارآمد و فاسد ایستاده و موجبات تغییر آن را فراهم کند. بنابراین، به‌منظور ایجاد انقلاب‌های فراکتال انقلاب اسلامی، وجود عوامل زمینه‌ساز ضروری است.

نفوذ گسترده فرهنگی و معنوی انقلاب اسلامی در کشورهای منطقه و اثرگذاری بیشتر آن در ایجاد و گسترش بیداری اسلامی، یکی از دلایل صدور انقلاب اسلامی که حاصل ویژگی‌های ذیل است: ۱. بهره‌گیری از یک دین مشترک (اسلام)؛ ۲. وجود زبان مشترک (فارسی در بسیاری از کشورهای منطقه)، یا نزدیکی زبان‌ها (مانند عربی، ترکی)؛ ۳. شباهت و تجانس فرهنگی، فکری، تاریخی، سیاسی، اقتصادی، و جغرافیایی کشورهای منطقه؛ ۴. همسایگی و داشتن مرز مشترک با این کشورها به دلیل موقعیت بسیار راهبردی جمهوری اسلامی که در اشاعه سرایتی[1] نقش کلیدی دارد.

1. Contagious Diffusion.

۳. وجود عوامل انسانی و سازوکارهای میانجی انتقال‌دهنده و انتشاردهنده خصیصه‌های اصلی انقلاب اسلامی به جامعه هدف

وجود مهره‌های کلیدی در نقاط حساس و حیاتی جامعه هدف، و تبیین اصول، ارزش‌ها، و مبانی نادرست، به‌منظور آغاز حرکت‌های انقلابی و جلب حمایت‌های مردمی، ایجاد، تثبیت، و استمرار انقلاب، ضرورتی انکارناپذیر است. در صدور انقلاب اسلامی به کشورهای همسایه، اشاعه سلسله مراتبی[1] جایگاه ویژه‌ای دارد. از این‌رو جمهوری اسلامی می‌کوشد تا از طریق جذب و تربیت رهبران و نخبگان سیاسی، مذهبی و فرهنگی، انقلاب‌های فراکتال اسلامی را در کشورهای مختلف ایجاد کند.

رهبران و شخصیت‌های برجسته‌ای مانند: سید حسن نصرالله در حزب‌الله لبنان؛ آیت‌الله سید علی حسینی سیستانی به‌عنوان مرجعیت شیعی عراق، حوزه‌های علمیه مربوط به حضرات آیات صدر، خویی، حکیم، و حایری، و افرادی همچون هادی العامری، نوری مالکی و شیخ عباس المحمداوی در سپاه (سازمان) بدر و حزب‌الله عراق؛ شهید سید حسین بدرالدین الحوثی و سید عبدالملک بدرالدین الحوثی در انصارالله یمن؛ رهبران جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و غزه؛ شیخ علی سلمان و شیخ عیسی قاسم در بحرین؛ بشار اسد در سوریه؛ راشدالغنوشی، رهبر حزب «التجاه الاسلامی» در تونس؛ شیخ زکزاکی در نیجریه؛ هوگو چاوز در انقلاب بولیواری ونزوئلا؛ اِوو مورالِس در بولیوی، و بسیاری دیگر رهبران انقلابی دنیا، ازجمله کسانی هستند که متأثر از رهبری امام خمینی و مقام معظم رهبری در جهت ایجاد و رهبری فراکتال‌های انقلاب اسلامی و سایر انقلاب‌های نوظهور دنیا هستند و قادرند تا ارزش‌ها، اصول، و خصیصه‌های ارزشمند انقلاب اسلامی را به جوامع خود انتقال دهند، و حمایت‌های مردمی را در جهت تثبیت و گسترش آن جلب نمایند. این افراد به دلیل قرابتی که با رهبران انقلاب اسلامی دارند، بهترین گزینه‌های صدور انقلاب به جامعه هدف هستند؛ درواقع، علاوه‌بر تأکید بر افراد صاحب نفوذ و اثرگذار، اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی را به وضوح برای کل جامعه هدف تبیین کرده، به‌طور مستقیم حمایت‌های عموم جامعه را جلب می‌کند.

۴. ایجاد انقلاب‌های فراکتال در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی

هریک از انقلاب‌های فراکتال می‌توانند فراکتال‌های جدیدی را ایجاد کنند و صفات مشخصه خود را به صورت وراثتی به آنها انتقال دهند؛ درنهایت، جزئی‌ترین انقلاب‌های فراکتال نیز مشابه با انقلاب اسلامی خواهند بود و خصیصه‌ها و توانایی‌های آن را خواهند داشت که تمدن‌سازی نوین اسلامی را تسریع می‌کند. یکی از بارزترین نمونه‌های ایجاد انقلاب‌های فراکتال در منطقه و در جهان اسلامی، «نهضت بیداری اسلامی» است. استکبار جهانی و امپریالیسم بین‌الملل تلاش می‌کند تا با استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای

1. Heirarchic Diffusion.

(فلاحی، ۱۳۹۴: ۸۷)، تبلیغات، و جنجال‌سازی‌های[1] رسانه‌ای، گفتمان انقلاب اسلامی را شکست داده، بیداری اسلامی را خاموش کند، یا مسیر آن را تغییر داده و آن را به نفع خود مصادره کند؛ اما بیداری اسلامی خاموش شدنی نیست. شاید برای کوتاه‌مدت بتوانند آن را کمرنگ بکنند؛ اما براساس ویژگی‌های بیان شده فراکتال، این انقلاب‌ها مسیر خود را ادامه می‌دهند، شاید این‌بار با یک نیروی جدیدتر و بزرگ‌تر؛ درواقع، ماهیت پرشور و شعور فعالیت‌های انقلابی، فرهنگی، و معنوی در جوانان و اندیشمندان حقیقت‌جوی کشورهای اسلامی، دیر یا زود وعده‌های الهی را محقق خواهد کرد.

۵. گفتمان‌سازی و شبکه‌سازی میان انقلاب‌های فراکتال در نقاط مختلف جهان

گفتمان‌سازی؛ رهبران خردمند و حکیم، به شکلی هوشمندانه و حکیمانه دست به خلق واژگان و عبارت‌های جدیدی می‌زنند و آنها را به فرهنگ لغات سازمان یا جامعه می‌افزایند. با بیان این واژگان و عبارت‌ها، آنها مفهومی گسترده و فرهنگی عظیم را در قالب یک واژه یا یک عبارت کوتاه پایه‌ریزی و تبیین می‌کنند. رهبری حکیمانه با استعمال واژه‌ها و عبارت‌های حکیمانه، مفاهیم جدید و ویژه‌ای را مطرح می‌کند که با استفاده از آن، بر پیروان اثر گذاشته، و یک بسیج و یک عزم عمومی را در راستای دستیابی به این مفاهیم و هدف‌های مورد نظر ایجاد می‌کند. عبارت‌هایی مانند «تهاجم و ناتوی فرهنگی»، «جنگ نرم»، «جنبش نرم‌افزاری تولید علم»، «بصیرت»، «نرمش قهرمانانه»، «بی‌اعتمادی به آمریکا»، «بیداری اسلامی»، و «تمدن نوین اسلامی»، عبارت‌هایی هستند که با استفاده از آنها، مقام معظم رهبری گفتمان جدیدی را وارد ادبیات جامعه می‌کنند، توجه اندیشمندان و متفکران را به آن جلب می‌کنند، نهادهای مربوطه را شکل می‌دهند، ارزش‌ها را تبیین می‌کنند، و تمام تلاش‌ها را معطوف به دستیابی به هدف‌ها می‌نمایند.

شبکه‌سازی؛ خاصیت خودمانایی فراکتال در رفتار جنبش‌ها و انقلاب‌ها نوعی وحدت ایجاد می‌کند، که به موجب آن، همه آنها به یک‌سو، یک جهت، و یک هدف واحد نظر می‌کنند. ویژگی خودمانایی از طریق ایجاد وحدت جهت، موجد انسجام در میان انقلاب‌ها می‌شود، و در پرتو خاصیت خودمانایی، تفاوت‌ها و اختلاف‌های عملیاتی و اجرایی را کمرنگ می‌سازد.

به‌منظور ایجاد تمدن نوین اسلامی، باید شبکه‌ای از روابط میان انقلاب‌های نوین دنیا شکل بگیرد تا به‌طور مستمر با یکدیگر در ارتباط باشند، بر اصول و ارزش‌های محوری مشترک تأکید کنند، تجربه‌ها، و هنجارهای ارزشی و رفتاری را انتقال دهند، انسجام میان انقلاب‌ها را افزایش دهد، در مواقع حساس از یکدیگر حمایت کنند، و با استفاده از پویایی و از طریق یادگیری مستمر طی طریق نمایند. شبکه‌سازی میان انقلاب‌های فراکتال، ایجادکننده یک ارتباط و تعهد بلندمدت است؛ موجب می‌شود تا افراد و گروه‌ها شناخت

1. Propaganda.

بهتری نسبت به یکدیگر پیدا کنند؛ کارهایی را انجام بدهند که هریک از آنها به‌تنهایی قادر به انجام آن نیستند؛ روحیه همکاری و به اشتراک‌گذاری توانمندی‌ها را ارتقا می‌دهد، و درنهایت، همگراکننده و همسوکننده پتانسیل‌ها و تلاش‌ها برای ایجاد تغییر در سطوح ملی و بین‌المللی است. شبکه‌سازی میان انقلاب‌های فراکتال، با محوریت انقلاب اسلامی انجام می‌گیرد.

حضور سران کشورهای دنیا در همایش‌ها و کنفرانس‌ها در جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها مانند حضور در «جنبش عدم تعهد (نَم)[1]»، و «اجلاس علما و بیداری اسلامی»، «مجمع جهانی تقریب مذاهب»، «مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام»، و «اجلاس مجمع کشورهای صادرکننده گاز»، به‌منظور گسترش روابط و همکاری‌های فرهنگی، دینی و مذهبی، سیاسی و امنیتی، و اقتصادی، و دیدار مقام‌های بلندپایه کشورها با رهبر معظم انقلاب و آشنایی بدون واسطه آنها با مبانی و اصول ارزشمند انقلاب اسلامی، می‌تواند به شبکه‌سازی میان فراکتال‌های انقلاب اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی کمک کند. دو مفهوم همگرایی مسلمانان و وحدت مسلمین، مفهوم شبکه‌سازی میان انقلاب‌های فراکتال را به خوبی تشریح می‌کنند.

نتیجه

هدف مقاله حاضر، تبیین مأموریت، نقش، و اثرگذاری انقلاب اسلامی در ایجاد انقلاب‌های نوین فراکتال در دنیا با عاریت گرفتن استعاره «فراکتال» از «هندسه فراکتال (برخالی)»، به‌عنوان شاخه‌ای از علم ریاضیات بوده است. در مقاله حاضر، ابتدا مفهوم فراکتال مورد مداقه قرار گرفت، سپس، مفاهیم سازمان‌های فراکتال، رهبری فراکتال و رهبری انقلاب‌های فراکتال تشریح شد، و درنهایت، در مسیر ایجاد «تمدن نوین اسلامی»، به پنج شرط اساسی و ضروری ایجاد فراکتال‌های انقلاب اسلامی و رهبری آنها پرداخته شد که در مقاله حاضر، به‌عنوان «الگوی رهبری فراکتال‌های انقلاب اسلامی» مطرح شده است.

پدیده انقلاب اسلامی پس از چند سده، به شکل عملی و عینی، اسلام و جوامع اسلامی را از انزوا و سکون خارج کرد و انرژی آزادشده از آن، به‌عنوان موتور محرکه تحرکات و خیزش‌های جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی از یک‌سو، مردم مسلمان منطقه را نسبت به حق و حقوق و توانایی‌های خود آگاه کرد و از سوی دیگر، طلسم شکست‌ناپذیری غول استبداد و اختاپوس استعمار و امپریالیسم را باطل کرد و این مسئله، جسارت و اعتماد به نفس را به ملت‌های مسلمان بازگرداند. از این‌رو در حال حاضر، شاهد تحرکات و خیزش‌های دامنه‌دار و مداوم مردم مسلمان کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا هستیم. (خواجه سروی و شهرکی، ۱۳۹۱: ۱۸۶) آنچه که موجبات بیداری ملت‌ها از خواب غفلت را فراهم کرده است را باید در انقلاب اسلامی جستجو کرد. استکبار جهانی و امپریالیسم بین‌الملل و دشمنان اندیشه

1. Non-Alined Movement (NAM).

اسلامی، به درستی دریافته‌اند که منبع و منشأ اصلی بیداری اسلامی و انقلاب‌های نوین دنیا، انقلاب اسلامی است. بنابراین، هجمه‌ها و تلاش‌های گسترده‌ای را در جهت ایجاد اختلال در مسیر و روند پیشرفت انقلاب اسلامی انجام داده‌اند.

از یک‌طرف، از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، جبهه اسکتبار جهانی از طریق ایجاد گروه‌های تروریستی درونی مانند گروهک فرقان و منافقین که هزاران تن از مردم عادی، دانشمندان، اندیشمندان و متفکران، روحانیون و افراد نظامی را به شهادت رساندند، تبدیل سفارت‌خانه به لانه جاسوسی در امور انقلاب برای وارد آوردن ضربه به کشور و نیز استفاده از پهپادهای جاسوسی، انجام عملیات نظامی برای نجات جاسوس‌های دستگیرشده در لانه جاسوسی که در صحرای طبس به شکست انجامید، انجام کودتاهای نافرجام مانند کودتای پادگان شهید نوژه، ایجاد فتنه در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ برای ایجاد انقلاب رنگی و سرنگونی نظام اسلامی، اعمال تحریم‌های اقتصادی به زعم خودشان فلج‌کننده، تهییج و تجهیز صدام برای حمله به ایران (در قالب جنگ سخت)؛ و استفاده از ماهواره، اینترنت، شبکه‌های فارسی زبان تلویزیونی و رادیویی، و فضای مجازی برای تهاجم فرهنگی و تغییر در سبک تفکر و زندگی مردم و مسئولین (در قالب جنگ نرم)؛ فشارهای مربوط به بحث هسته‌ای و مطرح کردن مذاکرات هسته‌ای، نفوذ در سیاستمداران و دولت‌مردان ایرانی در تمام طول عمر انقلاب اسلامی، از طریق نفوذ بر دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، نفوذ بر افراد عادی و مسئولین تصمیم‌گیر و سیاستمدار، و تربیت آنها در سایر کشورها به سبک استکباری آمریکائی، به‌گونه‌ای که بدون فشار و اجبار، هدف‌های استکبار را تأمین کنند، حرف‌های استکباری را تکرار کنند، هدف‌های آنها را دنبال کنند و مطابق با دیدگاه‌های آنها عمل کنند (در قالب نفوذ فکری، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی)؛ تلاش بسیاری را در جهت از بین بردن انقلاب اسلامی، سلطه مجدد بر کشور، تبدیل آن به یک نظام غیر اسلامی، و یا دستِ کم محدود کردن آن به جغرافیای ایران انجام داده است.

از طرف دیگر، در بیرون از مرزهای جمهوری اسلامی ایران، از طریق حادثه ساختگی تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و نسبت دادن آن به مسلمانان به‌عنوان بهانه‌ای برای تهاجم به افغانستان و عراق، شکل‌دهی و مسلح کردن گروه‌های تروریستی مانند طالبان، القاعده، داعش، جبهه النصره، و مخالفین (به‌زعم آنها) میانه‌رو در سوریه، به آشوب کشیدن کشورهای افغانستان، پاکستان، عراق، سوریه، یمن، فلسطین، نیجریه و سایر کشورهای مسلمان دنیا، بهانه قرار دادن حادثه تروریستی ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ فرانسه به‌منظور یک ایجاد ائتلاف گسترده‌تر و تهاجم بیشتر به کشور سوریه، به‌منظور اسلام‌ستیزی، اسلام‌هراسی،[1] ایران‌هراسی، و شیعه‌هراسی، استکبار جهانی تلاش بسیاری را در جهت جلوگیری از صدور و اثرگذاری انقلاب اسلامی بر ملت‌های منطقه و دنیا، خفه کردن بیداری اسلامی منطقه در نطفه، منحرف کردن توجهات جهان اسلام از

1. Islamophobia.

مسئله فلسطین (به‌عنوان اولویت اول جهان اسلام) و مبارزه با صهیونیسم، شکستن جبهه مقاومت در مقابل رژیم غاصب صهیونیستی، و گسترش هژمونی[1] استکباری خود در منطقه و استفاده از منابع گازی و نفتی منطقه انجام داده است. با وجود همه این دشمنی‌ها، اما انقلاب اسلامی به مسیر خود ادامه می‌دهد و گسترش نفوذ انقلاب اسلامی از آسیا تا آفریقا، از اروپا تا اقیانوسیه، و از آمریکای لاتین تا آمریکای شمالی را دربر گرفته است؛ و تنها منحصر به کشورهای شیعه‌نشین نمی‌باشد، بلکه کلیه کشورهای مسلمان و غیرمسلمان را نیز تحت پوشش قرار داده است.

منابع و مآخذ

۱. *قرآن کریم*.

۲. الوانی، سید مهدی، ۱۳۸۹، ***مدیریت عمومی***، تهران، نشر نی، چ ٤٠.

۳. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۹، ***صحیفه نور***، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، ج ۱۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

٤. امیریوسفی، محمدرضا؛ محبی، محبت و فرامرز خدائیان، ۱۳۹۱، «استفاده از تحلیل تصویر و شاخص بعد برخالی در آنالیز سطح قطعات گوشت شترمرغ، حین سرخ شدن به روش عمیق»، ***نشریه پژوهش‌های علوم و صنایع غذایی ایران***، ج ۸، شماره ۲، تابستان، ص ۱۷۹ ـ ١٦٧.

٥. باشگاه خبرنگاران جوان، «امام حسین علیه‌السلام در نگاه سیاستمداران و نویسندگان بزرگ خارجی»:
http: / / www.yjc.ir / fa / news / 4159721

٦. برزگر، ابراهیم، ۱۳۸۸، «عوامل مؤثر در تأثیرات فراملی انقلاب اسلامی؛ چارچوب مفهومی»، ***فصلنامه علوم اجتماعی***، شماره ٤٣ ـ ٤٢، ص ٢٦٢ ـ ٢٢٣.

۷. تلاشان، حسن و الماس نصر دهزیری، ۱۳۹۳، «تأثیر انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی تونس»، ***فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی***، دوره ٤٤، شماره ٤، زمستان، ص ٧٦٢ ـ ٧٤٣.

۸. جمال‌زاده، ناصر، ۱۳۹۱، «قدرت نرم انقلاب اسلامی و نظریه صدور فرهنگی انقلاب (با تأکید بر بیداری اسلامی در منطقه)»، ***پژوهشنامه انقلاب اسلامی***، سال اول، شماره ٤، پاییز، ص ٨٦ ـ ٦١.

۹. جهان‌بین، فرزاد و مسعود معینی‌پور، ۱۳۹۳، «فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، ***مطالعات انقلاب اسلامی***، سال یازدهم، شماره ۳۹، بهار، ص ٤٦ ـ ۲۹.

1. Hegemony.

۱۰. جهانگیر، کیامرث و مرتضی اسمعیلی، ۱۳۹۲، «تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش بیداری اسلامی شمال آفریقا (۲۰۱۲ ـ ۲۰۱۰) مطالعه موردی کشورهای تونس، مصر و لیبی»، ***سیاست***، دوره ۴۳، ش ۱، ص ۵۲ ـ ۲۷.

۱۱. حسینی، سید محمد و عبدالله مبینی، ۱۳۹۲، «تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی قدرت انقلاب اسلامی»، ***فصلنامه تحقیقات فرهنگی***، دوره ششم، شماره ۲، تابستان، ص ٦٦ ـ ۲۳.

۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی، «بیانات و نامه‌های مقام معظم رهبری»، در سایت:

http: / / farsi.khamenei.ir

۱۳. خرمشاد، محمدباقر، ۱۳۹۲، «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی»، ***راهبرد فرهنگ***، شماره ۲۳، پاییز، ص ۱۵۳ ـ ۱۲۷.

۱٤. خواجه‌سروی، غلامرضا و حامد شهرکی، ۱۳۹۱، «انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در یمن با تأکید بر جنبش الحوثی»، ***پژوهش‌های انقلاب اسلامی***، سال اول، شماره اول، تابستان، ص ۲۲۰ ـ ۱۸۵.

۱۵. خواجه‌سروی، غلامرضا و حسن یعقوب‌نیا، ۱۳۹۲، «واکاوی نقش انقلاب اسلامی ایران در بازآرایی بیداری اسلامی عربستان»، ***فصلنامه راهبرد***، سال بیست و دوم، شماره ٦۷، تابستان، ص ۱۳۷ ـ ۱۱۷.

۱٦. خواجه‌سروی، غلامرضا و مریم رحمنی، ۱۳۹۱، «انقلاب اسلامی ایران و گفتمان سیاسی شیعه در عراق»، ***پژوهشنامه انقلاب اسلامی***، سال اول، شماره ۳، تابستان، ص ۵۸ ـ ۲۹.

۱۷. خواجه‌سروی، غلامرضا، ۱۳۹۱، «نسبت انقلاب اسلامی با بیداری اسلامی: وجوه تشابه و تمایز»، ***مطالعات انقلاب اسلامی***، سال نهم، شماره ۲٤، بهار، ص ۱۱۰ ـ ۹۵.

۱۸. خواجه‌سروی، غلامرضا؛ نجات‌پور، مجید و نجات محمدی‌فر، ۱۳۹۱، «ظرفیت الگوسازی انقلاب اسلامی ایران به انقلاب‌های اخیر در منطقه خاورمیانه»، ***پژوهش‌های انقلاب اسلامی***، سال اول، شماره ۳، زمستان، ص ۱٦۰ ـ ۱۳۵.

۱۹. درخشه، جلال و سید مرتضی مفیدنژاد، ۱۳۹۱، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر اسلام‌گرایی در ترکیه»، ***پژوهشنامه انقلاب اسلامی***، سال اول، شماره ۲، بهار، ص ٦۹ ـ ٦۲.

۲۰. رضاپور، حسین، ۱۳۹۳، «تأثیر انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل»، ***مطالعات انقلاب اسلامی***، سال یازدهم، شماره ۳۷، تابستان، ص ۱۵۸ ـ ۱٤۱.

۲۱. رضایی، مسعود و شهاب جهانیان، ۱۳۹۳، «انقلاب بحرین، بیداری اسلامی و علل ناکامی آن»، ***مطالعات انقلاب اسلامی***، سال یازدهم، شماره ۳۶، بهار، ص ۲۰۲ ـ ۱۸۳.

۲۲. روزنامه رسمی کشور، خرداد ۱۳۰۲، ***مذاکرات مجلس چهارم، استیضاح مستوفی***، ص ۱۹۸.

۲۳. صفوی، یحیی و هادی ابراهیمی کیاپی، ۱۳۹٤، «بررسی نسبت گفتمانی میان بیداری اسلامی (انقلاب‌های تونس و مصر) با انقلاب اسلامی ایران»، ***مطالعات انقلاب اسلامی***، سال دوازدهم، شماره ٤۰، بهار، ص ۱٦٤ ـ ۱٤٥.

۲٤. عباسی، مجید و یوسف سیفی، ۱۳۹۲، «بازتاب‌های سازه انگارانه انقلاب اسلامی ایران بر آغاز بیداری اسلامی در جهان اسلام»، ***پژوهش‌های سیاست اسلامی***، سال اول، شماره چهارم، زمستان، ص ۱٦٤ ـ ۱۳٥.

۲٥. فلاحی، سارا، ۱۳۹٤، «شبکه‌های ماهواره‌ای و تلاش برای شکست گفتمان انقلاب اسلامی»، ***مطالعات انقلاب اسلامی***، سال دوازدهم، شماره ٤۱، تابستان، ص ۱۰۸ ـ ۸۷.

۲٦. ***قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران***، ۱۳٦۸، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۲۷. کاظمی، علی، ۱۳۸۸، «بررسی تطبیقی انقلاب اسلامی با انقلاب‌های بزرگ دنیا»، ***مطالعات انقلاب اسلامی***، سال ششم، شماره ۱۸، پاییز، ص ۱۳۰ ـ ۹۷.

۲۸. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۳، «بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام»، ***مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی***، ش ٦۳، ص ۱٤۱ ـ ۱۱۹.

۲۹. میرعلی، محمدعلی، ۱۳۹۲، «انقلاب اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان»، ***پژوهش‌های انقلاب اسلامی***، سال دوم، شماره ٤، بهار، ص ۲٥۰ ـ ۲۲۷.

۳۰. هراتی، محمدجواد، ۱۳۹۱، «تفاوت نقش و جایگاه رهبری در انقلاب اسلامی ایران و جنبش بیداری اسلامی مصر»، ***مطالعات انقلاب اسلامی***، سال نهم، شماره ۲۸، بهار، ص ۲٥۲ ـ ۲۳۳.

۳۱. یزدانی، عنایت‌الله؛ ابراهیمی، طالب و یوسف جعفری، ۱۳۹۱، «بازتاب انقلاب اسلامی بر جنبش اخوان المسلمین سوریه»، ***مطالعات انقلاب اسلامی***، سال نهم، شماره ۲۸، بهار، ص ۲۷٤ ـ ۲٥۳.

32. Baas, Andreas C.W., 2002, "Chaos, fractals and self-organization in coastal geomorphology simulating dune landscapes in vegetated environments", Geomorphology, 48, 309-328.

33. Benhamou CL., Lespessailles E., Jacquet G., Harba R., Jennane R., Loussot T.,

Tourliere D., and W. Ohley, 1994, " Fractal organization of trabecular bone images on calcaneus radiographs", Journal of Bone and Mineral Research, Vol. 9, No. 12, 1909-1918.

34. Limone, Aquiles and Milan Marinovic, 2013, "The Theory of the Organization and the New Paradigms", Open Journal of Business and Management, 1, 30-38.
35. Lorenz, Edward N., 1995, The Essence of Chaos, Washington: University of Washington Press.
36. Lu, Xiaoshu, Clements-Croome, Derek, and Viljanen Martti, 2012, "Fractal Geometry and Architecture Design: Case Study Review", Chaotic Modeling and Simulation (CMSIM), 2, 311-322.
37. Mandelbrot, Benoit, 1983, The Fractal Geometry of Nature / Revised and Enlarged Edition. New York, WH Freeman and Co.
38. Nonaka, Ikujiro, 2012, "Dynamic organizational capabilities: Distributed leadership and fractal organization", In Strategic Management of Military Capabilities: Seeking Ways to Foster Military Innovation. NIDS International Symposium on Security Affairs. Tokyo: The National Institute for Defense Studies. Retrieved (28 Feb. 2014) from http: / / www.nids.go.jp / english / event / symposium / pdf / 2012 / E-01.pdf
39. Quevedo, Roberto, Carlos, Lopez-G., Aguilera, Jose M., and Laura Cadoche, 2002, "Description of food surfaces and microstructural changes using fractal image texture analysis", Journal of Food Engineering, Vol. 53, 361–371.
40. Raye, Janna, 2012, "Fractal Organization Theory", Proceedings of the 56th Annual Meeting of the ISSS - 2012, San Jose, CA, USA, 56th Annual Proceedings of ISSS. Available online at: http: / / journals.isss.org / index.php / proceedings56th / article / viewFile / 1796 / 663
41. Rennaker, Mark, 2005, "Servant Leadership: A Chaotic Leadership Theory", Servant Leadership Research Roundtable– August. Available online at http: / / www.regent.edu/acad/sls/publications/conference_proceedings/servant_leadership _roundtable / 2005 / pdf / rennaker_servant.pdf
42. Wheatley, Margaret J., 2010, Leadership and the New Science: Discovering Order in a Chaotic World, Third Edition, Berrett-Koehler Publishers.